

سه قطره خون بر پیشانی ۱۶ آذر

۱۶ آذر سنگ نشانی است که ره گم نشود.

۱۶ آذر جرقه ائی در سیاهی، فریادی در سکوت.

۱۶ آذر روزی که شهید تاریخ می‌سازد.

۱۶ آذر روزی که دانشجو کلمه می‌گردد.

۱۶ آذر روزی که پرومته در زنجیر زنده زنده در آتش غاسق شهید می‌شود.

۱۶ آذر روزی که هرگز در تاریخ ما نمی‌میرد.

۱۶ آذر روزی که استبداد و امپریالیسم در باتلاق آن می‌میرند.

۱۶ آذر روزی که دانشجو، دانشجو می‌شود.

۱۶ آذر روزی که دانشجو متولد می‌گردد.

۱۶ آذر روزی که آذر توحید بر آذر شرک غلبه می‌کند.

۱۶ آذر روزی که خون بدل به آذر می‌شود.

۱۶ آذر روزی که خون سونامی می‌آفریند.

۱۶ آذر روزی که خون پیام می‌شود.

۱۶ آذر روزی که شیخ و شاه را به لرزه در می‌آورد.

۱۶ آذر روزی که دانشگاه، بودن خود را احساس می‌کند.

۱۶ آذر روزی که ناس بر خناس، علم بر جهل، حق بر باطل، ایمان بر کفر، حقیقت بر سرنیزه، مستضعف بر مستکبر، حسین بر یزید، ابراهیم بر نمرود و موسی بر فرعون، عیسی بر یهوه و یحیی بر هرдіس، محمد بر دارالندوه، بلال بر امه ابن خلف، عمار بر ابوجهل و ابودر بر عثمان، علی بر قاسط و مارق و ناکث پیروز می‌شود.

۱۶ آذر روزی که قلم بر جهل و چراغ بر تاریکی، شهید بر جلا، فلق بر غاسق غلبه می‌کند.

۱۶ آذر روزی که آتشکده جهل و نفاق و شرک فرو می‌میرد تا کاخ ستمگر کسری شیخ و شاه ویران شود و دیو جهانخوار غرب از تنوره واماند.

۱۶ آذر روز از جان گذشتن، روز پیروزی خلق، روز فرار دشمن.

۱۶ آذر روزی که استبداد و استثمار و استعمار در مسلخ عشق رمی می‌شوند.



۱۶ آذر عاشورای آذر بر جهل و نفاق و ریا و فریب.

۱۶ آذر سه قطره خونی که خود تاریخ می‌سازد.

۱۶ آذر نهائی که با خون نوشته شد.

۱۶ آذر لائی که به رنگ خون در آمد.

۱۶ آذر روز دانشگاه، روز وحدت علم با مبارزه.

۱۶ آذر روزی که ستاره‌ها به خون کشیده می‌شوند.

۱۶ آذر روزی که رسولان رهائی بر گونه دانشجو و دانشگاه اسم می‌شوند.

۱۶ آذر روزی که علم و کتاب و دانشگاه بر استبداد و استثمار و استعمار و استعمار پیروز می‌شود.

۱۶ آذر جرقه‌ای در سیاهی، فریادی در سکوت، عصیانی بر ظالم.

۱۶ آذر کلمه‌ائی که با خون بر تارک دانشگاه نوشته شد.

۱۶ آذر روزی که هرگز نمی‌میرد.

۱۶ آذر شمع‌ی که هرگز خاموش نمی‌شود.

۱۶ آذر فریاد ابودر در ریزه، لبیک دانشجو بر دعوت حسین مظلومیت، علی در دادگاه عدالت، عصیان مصدق بر استبداد، فریاد خلق بر آمریکا.

۱۶ آذر عصیان هابیل بر قابیل، شهید بر جلا، خون بر سر نیزه، حق بر باطل، ایمان بر کفر، فجر بر سیاهی، علم بر جهل، نور بر ظلمت، پرومته بر زئوس.

۱۶ آذر کتابی که هرگز بسته نمی‌شود.

۱۶ آذر دانشگاهی که هرگز تعطیل نمی‌شود.

۱۶ آذر مدرسه‌ائی که هرگز خاموش نمی‌گردد.

۱۶ آذر سرفصلی که با خون بر تارک دانشگاه نوشته شد.

۱۶ آذری که هرگز فرو نمی‌میرد.

۱۶ آذر فانوسی که یک عالم نفت توشه.

۱۶ آذر سنگ نشانی است که ره گم نشود.

۱۶ آذر عنوانی فراموش نشدنی بر تابلو دانشگاه.

۱۶ آذر آتشگه دیرینه پا بر جا.

۱۶ آذر آغازی که انجام ندارد.

۱۶ آذر کتابی که پایان ندارد.

ای نور ما ای روح ما ای آذر خونین ما

خوش می‌روی بر جان ما ای یوسف خوش نام ما

اعتلای جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران،

مسئله ساز جنبش اجتماعی

در حال رکود ۴۴ خرداد

۱- ۱۶ آذر ۳۲ سر آغاز تکوین جنبش مستقل دموکراتیک دانشجویان ایران: عبدالرحمان ابن خلدون تونسلی جامعه شناس و متفکر و مورخ و فیلسوف قرن دهم هجری در مقدمه تاریخ العبر معروف به مقدمه ابن خلدون خود در عرصه تبیین فلسفی تاریخ اسلام به ذکر مثالی می‌پردازد که نقل آن در اینجا خالی از موضوع نمی‌باشد. او می‌گوید مواد گداخته خروجی از دهانه کوه‌های آتش فشان تا زمانی که دهانه آتش فشان فعال می‌باشد، به علت گرمای بیش از حد دهانه آتشفشان تمامی مواد خروجی دهانه آتش فشان به صورت مذاب درمی‌آیند که این امر باعث می‌گردد تا مواد مذاب خروجی دهانه آتش فشان در حالت مذاب به صورت مخلوط در آیند که جدا سازی آن‌ها در حالت مذاب و گرما تا زمانی که این مواد مذاب در اثر خاموشی کوه آتش فشان سرد نشود، وجود ندارد جنبش‌های اجتماعی در عرصه تاریخ بشر به صورت کلی و جنبش اجتماعی‌های هشت گانه تاریخ یکصد ساله گذشته ایران بی شباهت به مثال کوه آتش فشان ابن خلدون نمی‌باشد، چراکه این جنبش‌ها هم به لحاظ ماهیت ترکیبی طبقاتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی خود و هم به لحاظ سرعت فراز و نشیب خود تا زمانی که فعال می‌باشند، امکان شناخت همه جانبه آن‌ها وجود ندارد. پس از مدتی که در جاده اصلی افتاد و حرکت یکنواختی پیدا کرد، یا به حالت رکود در آمد آنوقت است که زمان آسیب‌شناسی همه جانبه آن‌ها فرا می‌رسد. علیهذا اصول مشخصه تمامی جنبش‌های اجتماعی بشر از آغاز تا کنون یکی ترکیبی بودن خاستگاه و پایگاه اجتماعی سیاسی و طبقاتی آن جنبش‌های اجتماعی می‌باشد، دوم کوتاه مدت بودن زمان اعتلا و رکود این جنبش‌ها است. توضیح آنکه جنبش‌های اجتماعی به لحاظ همان ساختار ترکیبی خاستگاه و پایگاه تکوینی خویش مانند جنبش‌های سوسیالیستی و دموکراتیک (که به هر حال به لحاظ ساختاری دارای تعریف مشخصی از خاستگاه و پایگاه طبقاتی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... می‌باشند) به صورت یک پروسس و فرآیند ظاهر نمی‌شوند بلکه بالعکس هم ظهوری بالبداهه دارند و افولی غیرمترقبه و البته دلیل تئوریک آن عبارتند از اینکه اولاً این جنبش‌های اجتماعی بر عکس جنبش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی که جنبش‌های دلیلی می‌باشند، جنبش‌های اجتماعی علتی هستند. یعنی در جنبش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی این آگاهی یا خودآگاهی انتقال یافته به وجدان طبقاتی یا وجدان سیاسی یا وجدان فرهنگی و مذهبی و... آن گروه‌های مشخص اجتماعی می‌باشد که عامل اعتلای این جنبش‌ها گردیده است، که به همین دلیل ما جنبش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی را جنبش‌های دلیلی می‌نامیم. طبیعی است که در جنبش‌های دلیلی این جنبش‌ها علاوه بر اینکه دارای شعار منفی و مثبت می‌باشند و علاوه بر اینکه دارای برنامه و تئوری و تشکیلات هدفمند هستند، دارای رهبری هدایت‌گرایانه صالحی نیز می‌باشند که این رهبری صالح می‌تواند جنبش‌های دلیلی دموکراتیک و سوسیالیستی را در مراحل مختلف رفتن خویش به صورت تئوریک و آگاهانه هدایت نماید و همین موضوع باعث می‌گردد تا این جنبش‌ها هر چند دارای فراز و نشیب سیاسی و تشکیلاتی و تاکتیکی و حتی استراتژیکی هم باشند به صورت دراز مدت در آن پروسه مبارزاتی خود در کانتکس فرایند تدریجی

از خون بگویم یا قلم از شب بگویم یا فلق

ای نعره شیران ما آتش بزن بر جان ما

یکدم بلالیم می‌کنی یکدم هلال می‌کنی یکدم ابودر می‌شوم

ای آذر عیار ما ای وای ما ای وای ما

در آتش نمرود شاه خوش می‌روی بر فقه شیخ

ای کوکب دران ما ای ماه ما ای ماه ما

هم شاه را سیلی زنی هم شیخ را رسوا کنی

ای دلبر مقصود ما ای قبله معبود ما

ما از شریعت خسته‌ایم در دام فقه ابرتریم

در گِل بمانده پای ما ای بر دریده دام ما

جهل و فقاقت دین ما مکر و ربا اخلاق ما

در گل نشسته عقل ما ای یار ما عیار ما

ظلم و ستم قانون ما اعدام و زندان فقه ما

جوشی بنه در شهر ما نظاره کن این دود ما

ای در شکسته در اوین ای بر دریده دام شیخ

ای آذر خوش نام ما ای مصطفی ای مصطفی

در آتش و در سوز تو ای احمد منصور ما

غائب مبادا صورتت یکدم زبیش چشم ما

از شمع گویم یا سحر از می بگویم یا چمن

ای شاهد خونین ما ای شمع ما ای شمع ما

ای باد بی آرام ما با گل بگو پیغام ما

خون شهیدان حجت است یا ربنا یا ربنا

با عقل خود گر جفتمی من گفتمی‌ها گفتمی

خاموش کن تا نشنود این قصه را فقه و ربا

ای عاشقان ای عاشقان امروز مائیم و شما

پیراهن آذر شده از خون روان مصطفی

سلام بر آذر

سلام بر مصطفی

سلام بر احمد سه قطره خون ۱۶ آذر ♦

وب سایت:

www.nashr-mostazafin.com

ایمیل آدرس تماس:

Info@nashr-mostazafin.com

تلفن های تماس:

۰۰ ۳۲ ۴۸ ۶۱۱ ۰۳ ۰۸

۰۰۱ ۹۱۴ ۷۱۲ ۸۱ ۸۳

برعکس اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم (یعنی دوران بعد از انقلاب کبیر فرانسه که این دیسکورس مضمونی ضد فئودالیته و ضد اسکولاستیکی داشت، لذا دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری روشنفکران در ایران آنزمان مضمونی مترقی داشت) اما در اواخر قرن بیستم از آنجائیکه ماهیت ضد خلقی سرمایه‌داری جهانی (و در راس آن‌ها امپریالیست جهان خوار غرب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به خصوص از بعد از فر و پاشی اردوگاه شرق که دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری بستر ساز تئوریک و فرهنگی آن بود) آشکار شده بود لذا به همین دلیل در داخل کشور ما دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری بازرگان - سروش به خمود کشیده شد و همین خمود دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری بازرگان - سروش بود که باعث اعتلای دو باره دیسکورس دموکراتیک - سوسیالیستی - حقی شریعتی شد که ضرورت تاریخی شروع حرکت نشر مستضعفین از خرداد ۸۸ بر پایه همین خمود دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری بازرگان - سروش و اعتلای دیسکورس دموکراتیک - سوسیالیستی - حقی شریعتی می‌باشد. به هر حال دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری بازرگان - سروش هر چند برای مدتی در بین نیروی تصفیه شده نظام مطلقه فقهاتی توانست، به عنوان یک حرکت نظری آلترناتیوی نظام مطلقه فقهاتی مطرح گردد، ولی به مرور زمان به علت ظاهر شدن جوهره لیبرالی و سرمایه‌داری آن حتی در میان همین نیروهای تصفیه شده نظام هم به رکود کشیده شد.

و اما سه جنبش دموکراتیک تاریخ یکصد ساله گذشته ایران عبارتند از:

الف - جنبش دموکراتیک ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق در سال‌های شهریور ۲۰ تا ۲۸ مرداد،

ب - جنبش‌های چریکی غیر سنتی و مدرن ایران در سال‌های ۴۵ به بعد،

ج - جنبش‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و معلمان و زنان ایران به رهبری جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران، که این جنبش اگرچه به طور مشخص فعالیت و موجودیت تاریخی خود را از بعد از شهریور ۲۰ همگام با جنبش دموکراتیک ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق از سر گرفته بود، ولی به علت اینکه تا تاریخ ۱۶ آذر ۳۲ این جنبش تحت تاثیر عوامل برونی خارج از جنبش دانشجویی هدایتگری می‌شد (که گاهاً آنچنانکه در مرحله هدایتگری حزب توده بر علیه دکتر محمد مصدق مشاهده کردیم این جنبش دارای فونکسیون منفی هم بوده است)، لذا ما آن مرحله از حرکت و حیات جنبش دموکراتیک دانشجویی را جزو حیات تاریخی جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران به حساب نمی‌آوریم و به همین دلیل از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ که عملاً جنبش دانشجویی ایران^۱ را در دست بگیرد، آغازگر جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران می‌دانیم و البته باز هم تاکید می‌کنیم که طرح ۱۶ آذر ۳۲ به عنوان آغاز جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران بی‌مهری نسبت به جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران در سال‌های ماقبل ۳۲ یعنی از شهریور ۲۰ تا ۱۶ آذر ۳۲ نمی‌باشد، بلکه بالعکس احترام به استقلال جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران می‌باشد و توجه دادن دانشجویان به این حقیقت تاریخی است که از زمانی که جنبش دانشجویی ایران به جای انتظار از هدایتگری برون از این جنبش به پتانسیل درونی خود توجه کرده است، این جنبش زنده شده است و تا زمانی که این جنبش به جای انتظار از برون جنبش خود به نیروهای درونی خود توجه داشته باشد، این جنبش پا بر جا خواهد ماند و هر زمانی

و مرحله بندی شده پیش روند تا سر انجام به اهداف از قبل تعیین شده خود برسند. اما در جنبش‌های علتی قضیه صورتی کاملاً عکس دارد چراکه آنچه باعث شکل‌گیری این جنبش‌های اجتماعی می‌شود، فشارهای عینی و برونی اجتماعی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی... می‌باشد که از طرف طبقه حاکمه اقتصادی یا هیئت حاکمه سیاسی یا مذهبی بر این اقشار مختلف اجتماعی وارد می‌گردد و همین امر باعث می‌گردد که این فشارهای عینی بدون آنکه مانند جنبش‌های دموکراتیک و سوسیالیستی بتوانند پروسه خودآگاهی ساز خویش را در عرصه وجدان‌های طبقاتی و سیاسی و مذهبی و فرهنگی... طی نمایند، با چند فتوای و دستور رهبری‌های از راه رسیده بدل به جنبش و انقلاب گردد و یا با سرکوب قهرآمیز حاکمیت‌های غاصب تاریخی این جنبش‌ها به رکود و خمود کشیده شوند. در تاریخ یکصد ساله گذشته کشور خودمان اگر با همین عینک به تبیین جنبش‌های مختلف اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی بپردازیم، این حقیقت برایمان مشخص می‌گردد که در طول یکصد سال گذشته تاریخ ایران ما منهای جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی غیر فراگیر و منطقه‌ای ایران تا کنون هشت جنبش اجتماعی و دو جنبش سوسیالیستی طبقاتی و دو جنبش فرهنگی و سه جنبش دموکراتیک فراگیر کشوری داشته‌ایم، که جنبش‌های اجتماعی هشت گانه عبارتند از:

الف - جنبش تنباکو،

ب - جنبش مشروطه اول،

ج - جنبش مشروطه دوم،

د - جنبش اجتماعی بعد از جنگ بین‌الملل اول تحت عنوان‌های جنبش جنگل و خیابانی و پسیان و...،

ه - جنبش نهضت مقاومت ملی،

و - جنبش ۱۵ خرداد ۴۲،

ز - جنبش ۲۲ بهمن ۵۷،

ح - جنبش ۲۲ خرداد ۸۸،

و اما جنبش‌های دوگانه سوسیالیستی ایران عبارتند از:

الف - جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران تحت هژمونی کارگران نفت خوزستان به رهبری سردار ملی ایران دکتر محمد مصدق،

ب - جنبش ۱۸ شهریور ۵۷ کارگران ایران تحت هژمونی کارگران صنعت نفت ایران که عامل اصلی سقوط حکومت پهلوی گردید.

و جنبش‌های فرهنگی یا رنسانس‌های فکری ایران:

یکی جنبش فرهنگی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روشنفکران از فرنگ برگشته ایران می‌باشد، که در عرصه دیسکورس انقلاب کبیر فرانسه اقدام به یک رنسانس نظری در جامعه به گل نشسته ایران کردند.

دیگری جنبش فرهنگی ارشاد شریعتی بود که در سال‌های ۴۸ تا ۱۴ آبان ۵۱ توانست دیسکورس نظری - حوزه‌ای - فقهاتی ایران را به یک دیسکورس دموکراتیک - سوسیالیستی - حقی مبدل سازد، که البته اگرچه این دیسکورس تا سال ۵۷ توانست به رشد خود ادامه دهد، ولی به دلیل خلاء فیزیکی خود شریعتی و غلبه غاصبانه دیسکورس حوزه‌ای - تقلیدی - فقهاتی دیسکورس دموکراتیک - سوسیالیستی - حقی شریعتی به رکود کشیده شد. هر چند در دهه ۸۰ جریان بازرگان - سروش کوشیدند تا با نفی دیسکورس شریعتی توسط دیسکورس لیبرال - سرمایه‌داری خود را آلترناتیو دیسکورس دموکراتیک - سوسیالیستی - حقی شریعتی بکنند، به علت اینکه شرایط تاریخی دیسکورس لیبرالی - سرمایه‌داری

۱. در غیاب نیروهای هدایتگر برون از جنبش دانشجویی که به علت کودتای ۲۸ مرداد در محاق سیاسی و فیزیکی قرار گرفته بودند توانست برای اولین بار رهبری جنبش دموکراتیک دانشجویی که نماینده جنبش دموکراتیک ایران بود.

که تحت هر عنوانی هر نیروئی (خواه مذهب، خواه حوزه و خواه سیاست، خواه دولت) که بخواهد به عنوان یک عامل برونی مدعی هدایتگری این جنبش بشود، این جنبش به رکود و خمود کشیده خواهد شد. آنچنانکه از ۱۳ آبان ۵۸ که رژیم مطلقه فقهائی تصمیم به نفوذ هدایتگرانه در جنبش دانشجویی توسط واقعه تسخیر سفارت آمریکا گرفت، که حاصل آن زایش کودتای فرهنگی بهار سال ۵۹ بر علیه این جنبش توسط رژیم مطلقه فقهائی شد که تا ۱۸ تیر ۷۸ که دوباره جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران تصمیم گرفت خود را از سلطه رژیم مطلقه فقهائی خارج کند و رهبری خود را دوباره به جای اینکه در دست نظام حاکم قرار دهد، خود به دست گیرد، این جنبش دوران سیاه ۲۰ ساله رکود پشت سر گذاشت و از ۱۸ تیر ۷۸ بود که جنبش دانشجویی ایران دوباره پس از ۲۰ سال توانست حیات دوباره خود را بازسازی کند که این مرحله تا کنون یعنی مدت ده سال است که ادامه پیدا کرده است و تمامی ترفندهای نفوذگرایانه رژیم مطلقه فقهائی جهت بازیابی دوباره هدایت جنبش دانشجویی به شکست بر خورد کرده است.^۲ به هر حال به این دلیل است که از نظر ما تجلیل از ۱۶ آذر فقط تجلیل از شهدای گران سنگ و گرانقدر ۱۶ آذر نمی‌باشد و یا تجلیل از ۱۶ آذر فقط افشاگری و نفی سیاست‌های ضد امپریالیستی آمریکا نمی‌باشد و یا تجلیل از ۱۶ آذر فقط نفی استبداد و جنایت رژیم ضد خلقی پهلوی نمی‌باشد، که همه این‌ها هست ولی از همه این‌ها مهم‌تر آنچه که ما را وادار می‌سازد تا پیوسته همه ساله به تجلیل از حادثه ۱۶ آذر ۳۲ بپردازیم و آن را «روز دانشجو» بنامیم، به این خاطر است که در این روز و در این حادثه جنبش دانشجویی ایران با رهبری خودش متولد شد و رهبری خود را خود به دست گرفت و این امر مهم‌ترین حادثه‌ائی است که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اتفاق افتاد و باید هر سال به تبیین ابعاد این امر عظیم بپردازیم و تجلیل از شهدای این حادثه هم فقط از زاویه این حادثه بزرگ می‌باشد و عظمت شهیدان بزرگی چون بزرگ نیا و شریعت رضوی و قندچی به خاطر این می‌باشد که این شهیدان با خون خود بنیانگذار چنین حادثه عظیمی در جنبش دانشجویی ایران شدند و اگر نه از آن تاریخ تا کنون هزاران هزار دانشجوی ایران جان خود را در راه رهایی خلق این مرز و بوم از دست داده‌اند، اما علت اینکه آن شهیدان بزرگ تاریخ ما نتوانسته‌اند جایگاه این سه قطره خون را پیدا کنند، فقط به دلیل شرایط تاریخی تحقق این سه

۲. از نهادهای دولتی دانشجویی زیر سایه سرنیزه مثل بسیج دانشجویی یا انجمن‌های اسلامی گرفته تا سهمیه بندی کردن جذب دانشجویی و انقلاب فرهنگی آنچنانی و گزینش‌های انگیزاسیونی قرون وسطائی و بالاخره انجام نماز جمعه در دانشگاه تهران، به طوری که رژیمی که با هزاران میلیارد تومان سرمایه این ملت مصلائی تهران را بر پا کرد برای اینکه ترسید، نکند با انتقال نماز جمعه از دانشگاه تهران دانشگاه از چنگ آن‌ها بیرون برود حاضر نشد حتی یک نماز جمعه در آن مصلا بر پا کند، حتی نماز عید فطر هم که سالی یکبار جهت نمایش در آن بر پا می‌کرد، دو سال است که دیگر آن هم تعطیل شده و به دانشگاه تهران انتقال داده است تا توسط آن، رژیم مطلقه فقهائی بتواند سنگر نظامی خود را در دانشگاه جهت ممانعت از حاکمیت جنبش دموکراتیک دانشجویی حفظ نماید. تا هر زمانی که مانند ۱۸ تیر ۷۸ اراده کرد، بتواند در سایه سرنیزه این جنبش را به خاک و خون بکشد، آنچنانکه در ۱۸ تیر کشانید. ولی با همه این احوال جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران که از ۱۸ تیر ماه ۷۸ از خواب ۲۰ ساله بیدار شده است، این بار تمامی این ترفندهای مذهبی و سیاسی و... رژیم مطلقه فقهائی را آزمایش کرده و دیگر تن به تسلیم نسبت به هیچ یک از این ترفندها نخواهد داد و روز به روز توفنده تر به پیش می‌رود، چنانکه در مهر امسال دیدیم که این رژیم با هر ترفندی کوشید تا مراسمی نمایشی در دانشگاه با حضور یکی از مقامات مانند سال‌های گذشته بر پا کند، نتوانست و با اینکه زمان حضورشان در دانشگاه تهران هم اعلام کرده بودند ولی با طرح بهانه سفر رئیس جمهور به سازمان ملل اعلام شکست حضور خود را در دانشگاه اعلام کردند که صد البته در ۱۶ آذر امسال رژیم در تلاش است تا به نحوی شکست مهر ماه خود را جبران نماید و با حضور نمایشی در یکی از دانشگاه دوباره برای خود کسب ابروئی بکند، این ترفند هم توسط جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر امسال به شکست بر خورد خواهد کرد.

قطره خون می‌باشد، آنچنانکه در رابطه با حادثه کربلا تاریخ ما باز همین امر را تجربه کرده است، زیرا در میان تمامی شهدای اسلام و شیعه از آغاز تا کنون که میلیون‌ها میلیون انسان شهید شدند و شقاوت و حد جنایت وارد شده بر آن‌ها هرگز کمتر از واقعه حادثه کربلا هم نبوده (که برای این امر کافی است به نحوه شهادت میثم تمار و یا محمد ابن ابی بکر و یا حمزه و... توجه کنید) ولی چرا هیچکدام از این میلیون‌ها شهید در تاریخ اسلام و شیعه تا کنون نتوانسته جایگاه شهدای کربلا را بگیرد فقط به یک دلیل است و آن شرایط تاریخی تحقق حادثه کربلا می‌باشد، چراکه اسلام و تاریخ اسلام در آن مقطع تاریخی در یک تند پیچ تاریخی قرار گرفته بود و همین امر باعث گردید تا حادثه عاشورا، خون بهای عبور اسلام از این تند پیچ تاریخی گردد که خود این حاصلش آن شد تا واقعه کربلا به عنوان نمایش تاریخی کار همه شهداء از آدم تا خاتم و از خاتم تا حسین و از حسین تا پایان تاریخ در آید. در رابطه با شهدا ۱۶ آذر هم قصه باز به همین ترتیب می‌باشد، چراکه تا زمانی که شرایط تاریخی ایران در سال ۳۲ به خصوص از بعد از کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت رژیم کودتا بر سرنوشت ملت ایران و هم پالگی شدن جریان مرتجع حوزه با رژیم کودتا و غارت منابع و اقتصاد توسط امپریالیسم پیروزمند آمریکا در این کودتا و... دستگیری و اعدام و فراری شدن سران جنبش و حاکمیت رعب و وحشت بر سرنوشت سیاسی این ملت درک نکنیم، امکان درک شرایط تاریخی تحقق حادثه عظیم ۱۶ آذر برای ما وجود نخواهد داشت و تا زمانی که شرایط تاریخی حادثه ۱۶ آذر را درک نکنیم، امکان شناخت عظمت حادثه ۱۶ آذر سال ۳۲ برای ما وجود نخواهد داشت. پس آنچه مهم‌تر و عظیم‌تر از شهدای ۱۶ آذر هست، اهدافی است که شهدای ۱۶ آذر در راه آن شهید شدند و آن اهداف در یک کلمه استقلال هویتی جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران می‌باشد، همانی که اگر به درستی از طرف اندیشمندان دانشجویی فهم گردد، نه تنها باعث رهایی خود جنبش دانشجویی ایران از تیول رژیم مطلقه فقهائی می‌شود و نه تنها باعث می‌گردد تا جنبش دانشجویی ایران دیگر مانند دوران ۲۰ ساله (۵۸ تا ۷۸) گرفتار ترفندهای رژیم مطلقه فقهائی نشود، بلکه مهم‌تر از همه این‌ها شناخت به این حقیقت باعث می‌گردد تا جنبش‌های اجتماعی و سوسیالیستی و دموکراتیک ایران به موازات استقلال هویت جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران و استقرار این جنبش در جایگاه هژمونی جنبش اجتماعی و سوسیالیستی و دموکراتیک ایران از مرحله رکود و خمود فعلی خارج گردند و دوباره روند رو به اعتلای خود را از سر گیرند.

۲- علل رکود جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸: آنچنانکه در مقدمه این نوشتار از ابن خلدون مطرح کردیم تا زمانی که آتشفشان فعال می‌باشد و گداخته‌های مذاب فلزات به صورت میعان آتشین از دهانه آن خارج می‌گردد، به علت ترکیبی بودن این میعان امکان شناخت تفکیکی فلزات یا مواد ساختاری این گداخته خارج شده از دهانه آتشفشان وجود ندارد، زمانی ما می‌توانیم به شناخت این مواد نائل شویم که این مواد از حالت گداختگی خارج شوند و سرد گردند و با سردی خود منجمد شوند و با انجماد خود فلزات یا مواد از حالت ترکیبی خود خارج شوند، آن وقت است که ما می‌توانیم به تبیین علمی آن مواد خارج شده بپردازیم. در عرصه جنبش اجتماعی هم باز موضوع به همین ترتیب می‌باشد، چراکه از آنجائیکه جنبش اجتماعی یک جنبش ترکیبی می‌باشد، که دارای خواستگاه‌های متفاوت سیاسی، طبقاتی و فرهنگی می‌باشند، لذا در عرصه پراتیک و فعالیت این جنبش نمی‌توان به تمامی زوایای پیچیده حرکت این جنبش واقف شویم مگر زمانی که این جنبش به دلایلی حالت گداخته‌گی خود را از دست بدهد، در آن شرایط است که می‌توانیم از

شهدا و شکنجه اسیران و... جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ گردد).

ثانیا: نفیائی بودن جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ می‌باشد، زیرا آنچه‌انکه در جنبش‌های اجتماعی گذشته تاریخ خردمان دیدیم از جنبش ۲۲ بهمن ۵۷ تا جنبش ۱۵ خرداد ۴۲ و جنبش مقاومت ملی سال‌های بعد از شهریور ۲۰ تا بالاخره جنبش اجتماعی تنباکو قبل از مشروطیت، همگی بر حرکت‌های نفیائی استوار بودند، یعنی توده‌های کفن پوش و رامین فقط می‌دانستند که رژیم پهلوی یک رژیم مستبد و جنایتکار است و لذا صلاحیت حکومت کردن بر ایران را ندارند، اما اینکه آیا کسانی که می‌خواهند جانشین او گردند یا مدعی آلترناتیوی او را دارند صلاحیت حکومت کردن بر ایران را دارند یا نه؟ و یا آیا به لحاظ دیدگاه و برنامه مترقی‌تر از شاه می‌باشند یا نه؟ آن‌ها کاری به این کارها نداشتند، فقط می‌دانستند که «شاه باید برود» البته این هم می‌دانستند که چه کسی باید جانشین شاه گردد، ولی این را نمی‌دانستند که آیا برنامه‌های جایگزینی شیخ جدید بهتر از شاه قدیم می‌باشد یا بدتر؟ دیگر به این کاری نداشتند، لذا فوراً عکس او را به ماه می‌بردند و عکس این را به خاک می‌کشیدند و با این عمل هژمونی او را تأیید می‌کردند و حکومت این را نفی می‌نمودند و همین امر باعث می‌گردید، تا این آلترناتیوهای نورسیده همین که بر خر مراد حکومت سوار می‌شدند قبل از اینکه دشمنان قبلی خود را قلع و قمع نمایند، به جان همین توده‌هایی بیافتند که بر شانه آنها به حکومت رسیدند و در این راه دست به نسل کشی حامیان گذشته خود بزنند به طوری که همان توده‌هایی که بر دوش آنها به قدرت رسیدند شعار «سال به سال دریغ از پارسال» سر دهند و در ماتم جنایت‌های شیخ بر فقدان شاه بگریزند، چراکه آنچه‌انکه هگل می‌گوید «توده‌ها همیشه برای نقد حال، گذشته‌ها را طلائمی می‌کنند»، چراکه به قول امام علی «عیب توده‌ها این است که حال را می‌بینند اما آینده‌ها را نمی‌بینند، ظاهرها را می‌بینند اما نسبت به باطن‌ها جاهل‌اند - *إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا - إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا - وَ اسْتَقَلُّوا بِأَجْلِهَا إِذَا اسْتَقَلَّ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا*» (نهج البلاغه - کلمات قصار شماره ۴۳۲)

ثالثاً: این جنبش به لحاظ خواستگاه و پایگاه یک جنبش ترکیبی می‌باشد نه یک جنبش یکدست بسیط. توضیح آنکه آنچه‌انکه قبلاً هم به اشاره مطرح کردیم جنبش‌های اجتماعی دارای ساختار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و طبقاتی و اجتماعی ترکیبی می‌باشد. چراکه دشمن مقطعی و فوری این جنبش‌ها که معمولاً هیئت حاکمه مستبد حاکم می‌باشد، عاملی گردیده که منافع سیاسی و طبقاتی و اجتماعی و فرهنگی تمامی اقشار جامعه را به خطر بیافند، لذا در این رابطه است که تمامی این اقشار با شعار «مرگ بر شاه» یا «مرگ بر...» جهت نفی شاه و شیخ بسیج می‌گردند. از طبقه کارگر گرفته تا خرده بورژوازی شهری و روستائی و... از دانشجو گرفته تا زنان و دانش آموزان و معلمان و کارمندان، از روحانی رانده شده حوزه گرفته تا لیبرال‌های تصفیه شده و روشنفکران و سردمداران تصفیه شده قبلی خود نظام مطلقه فقهاتی همه و همه در یک صف در برابر رژیم مطلقه فقهاتی به حرکت در می‌آیند.

رابعاً: آنچه‌انکه در تمامی جنبش‌های هشت گانه اجتماعی گذشته ایران - منهای جنبش دوم مشروطیت - دیدیم رهبران این جنبش‌ها از دل خود جنبش زائیده نمی‌شوند تا به صورت دینامیک بتوانند هدایتگری آن جنبش را به عهده گیرند، بلکه بالعکس رهبران این جنبش‌های اجتماعی به علت اینکه کوتاه مدت می‌باشند و فرصت رهبر سازی از دل خودشان پیدا نمی‌کنند به صورت یک امر

زاویه آسیب‌شناسی آن جنبش را مورد قرع و انبیب علمی قرار دهیم و ضعف و قوت آن جنبش را ارزیابی نمائیم، در رابطه با جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ اکنون در چنین مرحله‌ای قرار گرفته‌ایم که بتوانیم به آنالیز و چکش کاری آن بپردازیم.

نخستین موضوعی که در رابطه با جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد باید در نظر داشته باشیم، این حقیقت بزرگ است که جنبش ۲۲ خرداد یک جنبش اجتماعی می‌باشد نه یک جنبش سوسیالیستی و یا یک جنبش دموکراتیک و یا یک جنبش فرهنگی و تا زمانی که کانتکس اجتماعی بودن جنبش ۲۲ خرداد ۸۸ فهم نکنیم امکان شناخت این جنبش به هیچ وجه برای ما وجود نخواهد داشت، چراکه برای کسی که از عینک سوسیالیستی بخواهد این جنبش را فهم کند و آن را آسیب‌شناسی علمی بکند امری غیر ممکن می‌باشد، یا برای کسی که با عینک دموکراتیک بخواهد به فهم علمی جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ بپردازد باز امری غیر ممکن می‌باشد، چراکه آنچه‌انکه قبلاً هم به اشاره گفتیم به موازات اینکه ما اعلام کردیم و فهمیدیم که جنبش ۲۲ خرداد یک جنبش اجتماعی می‌باشد، نه یک جنبش دموکراتیک و نه یک جنبش فرهنگی و نه یک جنبش سوسیالیستی باید خود را موظف بدانیم که فقط این جنبش را در کانتکس اجتماعی بودن آن مورد بررسی و شناخت قرار دهیم. در این صورت انتظارات ما از این جنبش یک سلسله انتظارات جنبش اجتماعی می‌باشد نه دموکراتیک و سوسیالیسم و فرهنگی، چراکه به مجرد اینکه گفتیم این جنبش یک جنبش اجتماعی می‌باشد همراه خود یک سلسله مشخصاتی می‌آورد، که فقط خاص جنبش اجتماعی می‌باشد که این‌ها عبارتند از:

- الف - علتی بودن جنبش،
- ب - نفیائی بودن جنبش،
- ج - ترکیبی بودن یا جبهه‌ای بودن جنبش،
- د - برونی بودن هژمونی و رهبری و هدایتگری جنبش،
- ه - کوتاه مدت بودن پروسه اعتلای جنبش،
- و - بدون برنامه و استراتژی بودن جنبش (و حرکت کردن تنها بر پایه‌های شعارهای تاکتیکی محوری می‌باشد)،

ز - از همه مهم‌تر اگر پذیرفتیم که جنبش ۲۲ خرداد ۸۸ یک جنبش اجتماعی است، متعاقب آن پذیرفته‌ایم که موفقیت آن در کوتاه مدت آن میسر است و اگر جنبش اجتماعی به دلایلی از انجام پیروزی کوتاه مدت محروم گردید، باید افتادن در جاده رکود برای آن امری جبری بدانیم.

در رابطه با جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ و رکود گرفتار شده در آن، تمامی پارامترهای هفت گانه فوق صادق می‌باشد چراکه:

اولاً: به لحاظ آسیب‌شناسی جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ یک جنبش علتی بود نه یک جنبش دلیلی. توضیح آنکه آنچه باعث شکل‌گیری جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ گردید فقط و فقط فشارهای عینی - ذهنی رژیم مطلقه فقهاتی در کانتکس کودتای انتخاباتی دولت دهم رژیم مطلقه فقهاتی بود، که توسط افشاگری‌های مناظره‌های انتخاباتی و داد و ستدهای رای سازی‌های بعد از آن توده‌ها به یکباره به فسادهای داخلی رژیم مطلقه فقهاتی پی بردند و این امر بود که باعث گردید تا توده‌ها تصمیم به قیام بگیرند و به همین علت است که ما جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد را یک جنبش علتی می‌نامیم. یعنی این جنبش بر پایه اقدام عملی سازمان‌گرایانه مبتنی بر خودآگاهی توده‌ها شکل نگرفته است و حداکثر زحماتی که رهبری این جنبش برای این جنبش کشیده چهار تا اعلامیه و چهار تاراه پیمائی می‌باشد ولاغیر (البته طرح این موضوع نباید باعث کم بهاء دادن به خون

تصویب اصل تجمیع انتخابات، انتخابات شوراها که قرار بود در پایان سال جاری بر گذار گردد و تنها امکانی بود که رهبری جنبش چه بخش جنبش سبز و چه بخش جنبش اصلاحات می‌توانست با شرکت در آنها به بازسازی تشکیلات خود بپردازد به انتخابات بعدی حواله کند تا بدین ترتیب امکان هر گونه تحرکی را تا رکود کامل جنبش از رهبری جنبش بگیرد.

سادساً: زمانی که یک جنبش تحت یک حرکت درازمدت هدایت‌گرانه حزبی حاصل نشده باشد و به صورت خود به خودی بر پایه یک بستر علتی حاصل شده باشد، در آن صورت ابتدائی ترین مشخصه این جنبش بی برنامه‌گی آن می‌باشد. مقصود از بی برنامه‌گی در اینجا خود به خودی بودن یا هدایت فتوائی یا هدایت اعلامیه‌ای بدون هر گونه سازمان‌گری تنها بر بسیج علنی و کوتاه مدت و آنی می‌باشد، اگر یک جنبش خواه اجتماعی، خواه دموکراتیک، خواه سوسیالیستی می‌خواهد دارای برنامه حرکتی باشد و توان مبارزه درازمدت داشته باشد، باید آن حزب از همان آغاز حرکت سازمان‌گرایانه توسط تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و درازمدت در عرصه‌های تشکیلاتی و سیاسی و اجتماعی و... و آموزش این برنامه به توده‌های حزبی و اجتماعی و حرکت کردن در کانتکس آن برنامه‌ها، اولاً از مبارزه خود به خودی که عامل آناشیش و یاس مبارزاتی و چپ روی‌های آنتاگونیستی مقطعی می‌باشد جلوگیری نماید، در ثانی شرایط برای مبارزه درازمدت جنبش فراهم کند.

۳- پیوند بین جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران با جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ تنها راه برون رفت جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد از رکود گرفتار در آن می‌باشد.

ماحصل آنچه تا اینجا گفته شد اینک:

۱- ۱۶ آذر ۳۲ سر آغاز تکوین جنبش دموکراتیک مستقل دانشجویان ایران می‌باشد.

۲- تجلیل از سه شهید ۱۶ آذر جنبش دانشجویی تجلیل از شهید به خاطر شهید نیست، بلکه تجلیل از این شهدا به خاطر آغازگر جنبش مستقل دموکراتیک دانشجویان ایران می‌باشد.

۳- روز ۱۶ آذر را به این خاطر «روز دانشجو» نامیده شده است که در عصر حاکمیت کودتا و استقرار شر غاسق و دستگیری یا اعدام و فرار تمامی نهادهای سیاسی هدایتگر جامعه، تنها تک سوار هدایتگر جنبش اجتماعی که همان جنبش دانشجویی می‌باشد پا به عرصه وجود گذاشت و با این عمل خود یاس توده‌ها را بدل به امید کرد و خون تازه‌ای در حیات مبارزاتی تاریخی جامعه ما وارد ساخت.

۴- حیات جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران در گرو استقلال هویتی و تشکیلاتی آنها می‌باشد و هر زمانی که این جنبش توسط عوامل برون تشکیلاتی خواه دولت مطلقه فقهاتی باشد و خواه حزب توده باشد و خواه تشکیلات چریکی مدرن بعد از دهه چهل باشد، این جنبش گرفتار رکود و خمود می‌شود.

۵- در ۱۶ آذر هر سال ما موظفیم که جایگاه هویت مستقلانه جنبش دموکراتیک دانشجویی را به نقد بکشانیم و هر عاملی که این اصل حیاتی را به چالش می‌کشانند، برای جنبش دانشجویی ایران روشن و افشا کنیم.

۶- هر چند جنبش اجتماعی ایران دارای آسیب‌های ساختاری و برنامه‌های و فونکسیون می‌باشد که عبارتند از، تکیه بر مبارزه کوتاه مدت و جنبش خود به خودی و غیر برنامه‌های و تکیه بر حرکت‌های غیر سازمان‌گر و مبارزه علنی و آناشیشی و آنتاگونیست مآبانه

مکانیکی از طریق مذهب، یا ملیت، یا قدرت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از برون بر آنها تحمیل می‌گردد که طبیعتاً به علت عدم وجود سنخیت میان جنبش و رهبران، امر هدایتگری از طرف این رهبران بر جنبش به صورت یک طرفه و اعلامیه‌ای یا فتوائی می‌باشد، تا توسط آن از این توده به صورت ابزاری در خدمت اهداف رهبری استفاده گردد و هر زمانی که بین منافع رهبری و توده‌ها اصطکاکی بوجود آید، این جنبش به رکود کشیده خواهد شد. تنها استثنائی که در این رابطه وجود دارد مشروطیت دوم می‌باشد که بعد از استبداد محمد علی شاه و به توپ بستن مجلس و شکست انقلاب اول مشروطیت توسط جنبش مسلحانه تبریز، جنبش اجتماعی دوم مشروطیت از سر گرفته شد که حاصل آن جوشش رهبران ذاتی از دل این جنبش امثال باقرخان و ستارخان بود که به علت ذاتی بودن رهبری آن‌ها با جنبش اجتماعی، این رهبران صلاحیت و پتانسیل آن را پیدا کردند که تا مرحله پیروزی مرحله‌ای جنبش اجتماعی مشروطیت دوم را هدایت کنند.

خامساً: کوتاه بودن پروسه اعتلای جنبش‌های اجتماعی، که در این رابطه با توجه به بافت ساختاری ترکیبی و با توجه برتری کمی قشر خرده بورژوازی شهری در این بافت ترکیبی و با توجه به خصلت جهشی و آنتاگونیستی و آناشیشی و حال بینی خرده بورژوازی شهری این جنبش‌ها رمز موفقیتشان در پیروزی فوری می‌باشد، در صورتی که مبارزه آن‌ها فرسایشی و درازمدت گردد، این جنبش‌های اجتماعی به رکود و خمود و یاس و وازدگی کشیده می‌شوند و این حقیقتی است که رژیم مطلقه فقهاتی سخت به آن واقف می‌باشد و به همین دلیل بود که از همان آغاز اعتلای جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ از یک طرف کوشید تا توسط برخوردهای سرکوب گرایانه سرنیزه‌ای همراه با کشت و کشتار و شکنجه، بهای مبارزه با رژیم را بالا ببرد و از طرف دیگر کوشید تا توسط ممانعت از پیروزی زود هنگام توسط بگیر و ببند و اعتراف‌گیری و شکنجه و کشت و کشتار و غارت و تجاوز و... جنبش مبارزه جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد را در جاده مبارزه درازمدت و فرسایشی قرار دهد تا با این ابزار مبارزه و جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ را به رکود بکشاند، چراکه رژیم مطلقه فقهاتی به خوبی واقف بود که جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد نه به لحاظ پتانسیل رهبری و نه به لحاظ تشکیلات و سازماندهی از آنچنان توان برخوردار نیستند تا بتوانند این مبارزه و جنبش را در جاده مبارزه درازمدت هدایتگر باشند، به این دلیل بود که رژیم مطلقه فقهاتی از بعد از نماز جمعه ۲۹ خرداد کوشید سیاست دو مؤلفه‌ای جهت شکست جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد از سر گیرد که عبارت بودند از:

الف - به بن بست کشانیدن هر گونه مبارزه علنی توسط فشار، سرکوب و شکنجه و کشانیدن مبارزه از صورت علنی به شکل مخفی بود، چراکه رژیم مطلقه فقهاتی به خوبی واقف بود که تمامی قدرت رهبری جنبش (چه مدعیان اصلاحات و چه مدعیان جنبش سبز) فقط در مبارزه علنی نهفته است و با مخفی کردن مبارزه و بالا بردن بهاء مبارزه، دیگر امکان هدایتگری برای آن‌ها وجود نخواهد داشت.

ب - دومین ترفندی که رژیم مطلقه فقهاتی از بعد از نماز جمعه ۲۹ خرداد از سر گرفت بدین کردن و ایجاد فاصله بین رهبری و جنبش بود، که برای این مقصود رژیم مطلقه فقهاتی کوشید توسط دستگیری و شکنجه و اعتراف‌گیری رهبران به زمینه بدبینی در مردم را فراهم سازد که در این رابطه رژیم مطلقه فقهاتی در رابطه با هر دو ترفند موفق گردید، چراکه هم توانست توسط کودتای اعلام نشده نظامی و سیاسی و استقرار تمام عیار اختناق و رعب و فشار، امکان هر گونه مبارزه علنی را در جامعه از بین ببرد و هم توسط

نظام مطلقه فقهاتی حاکم، یکی دیگر از آسیب‌هایی است که جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران را گرفتار پوزیتیویسم و پراگماتیسم می‌کند.

۱۸ - ایجاد فضای خود سانسوری در بین جنبش دانشجویی ایران توسط دستگاه‌های عریض و طویل تبلیغاتی رژیم مطلقه فقهاتی در چتر حاکمیت جو پلیسی از دیگر مواردی است که جنبش دانشجویی ایران را دچار آسیب می‌کند.

۱۹ - دسته بندی‌های دانشجویی بر پایه جداسازی دانشگاهی امثال دانشگاه دولتی و آزاد و غیر انتفاعی و... از دیگر مکانیزم‌هایی است که توسط آن رژیم مطلقه فقهاتی وحدت درونی دانشگاه را به چالش می‌کشاند.

زنده باد ۱۶ آذر ۳۲ سر آغاز تکوین جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران

زنده باد ۱۸ تیر ۷۸ جنبش باز جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران
زنده باد وحدت جنبش دانش آموزی و جنبش دانشجویی ایران
زنده باد وحدت جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ با جنبش دانشجویی ایران

زنده باد وحدت جنبش دموکراتیک زنان ایران با جنبش دانشجویی ایران

زنده باد وحدت جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر ایران با جنبش دانشجویی ایران

زنده باد وحدت جنبش فرهنگی دموکراتیک - سوسیالیستی - حقی با جنبش دانشجویی ایران

سلام بر شهیدان ۱۶ آذر رضوی، بزرگ نیا، قندچی سر قافله سالاران شهدای جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران

سلام بر آگاهی - آزادی - عدالت شعار جنبش دموکراتیک ایران

سلام بر شهیدان راه آزادی و آگاهی و عدالت

سلام بر قرآن، کتاب قلم و بیان و میزان

سلام بر محمد، پیامبر آگاهی و آزادی و عدالت

سلام بر علی، عدالت مظلوم و آزادی ناطق و اسلام حق

سلام بر حسین، امام انسانیت و حریت و شهادت

سلام بر ابراهیم خلیل سر سلسله جنبان نظام توحید و عدالت و حقیقت

سلام بر شهدای مظلوم کهریزک

سلام بر زندانیان فراموش شده اوین و گوهر دشت و...

سلام بر آنگ‌های خاموش اعدام‌های تابستان ۶۷

سلام بر کشته‌های به خون خفته جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸

سلام بر شریعتی منادی نان - آزادی و فرهنگ

و آخرین سلام ما به مظلوم تنهای تبعیدی ریزه ♦

والسلام

می‌باشد، ولی جنبش دموکراتیک دانشجویی از این آسیب‌ها در امان می‌باشد آنچه از لحاظ آسیب‌شناسی جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران را تهدید می‌کند پراگماتیسم و روزمرگی و تکیه بر هدایت‌های برونی و از دست دادن استقلال هویتی و تشکیلاتی خود می‌باشد.

۷- رکود بیست ساله جنبش دموکراتیک دانشجویان ایران در سال‌های ۵۸ تا ۷۸ به علت وابستگی جنبش دانشجویی تحت مدیریت «دفتر تحکیم وحدت» به دولت مطلقه فقهاتی بوده است.

۸- اعتلای جنبش دانشجویی ایران پس از رکود بیست ساله از ۱۸ تیرماه ۷۸ آغاز گردید و ۱۸ تیرماه ۷۸ مرحله‌ای است که جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران به این خودآگاهی سیاسی - اجتماعی رسید که تنها راه استمرار حیات تاریخی جنبش دانشجویی ایران در فاصله گرفتن این جنبش از رژیم مطلقه فقهاتی می‌باشد.

۹- حادثه اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ نخستین ترفند رژیم مطلقه فقهاتی جهت متلاشی و وابسته کردن جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران بود.

۱۰- کودتای فرهنگی بهار سال ۵۹ نخستین کودتای نظامی رژیم مطلقه فقهاتی بر علیه جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران توسط اشغال دانشگاه‌ها و سترون ساختن عینی و ذهنی دانشگاه توسط شورای انقلاب فرهنگی بود.

۱۱- سهمیه بندی و ایجاد نهادهای دولتی اعم از بسیج و انجمن‌های اسلامی همراه با سازمان‌های عریض و طویل گزینشی و ستاره دار کردن دانشجویان و استقرار نماز جمعه در دانشگاه تهران و... مکانیزم‌هایی است که رژیم مطلقه فقهاتی جهت وابسته کردن جنبش دموکراتیک ایران به کار گرفته است.

۱۲ - جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران برای حفظ هویت مستقلانه خود و همچنین جهت استحکام وحدت درونی خود باید ماهیت دموکراتیک خود را حفظ نماید، ایدئولوژیک شدن و وابستگی گروهی و دولتی که باعث تکوین سکتاریسم در جنبش دانشجویی می‌شود، بزرگترین آسیبی است که جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران را تهدید می‌کند.

۱۳ - نداشتند و نخواستند بزرگترین زرادخانه جنبش دموکراتیک دانشجویی می‌باشد که دانشجو را در عرصه مبارزه این جنبش آماده هر گونه ایثار و فداکاری می‌نماید، گسترش اعتیاد و عافیت طلبی و تشکیل خانواده و وابستگی‌های عاطفی و... مکانیزم‌هایی است که غاسق واقف جهت تعطیلی این زرادخانه عظیم خلق به کار می‌برد.

۱۴ - گرایش‌های آنتاگونیستی که عامل شکل‌گیری سکتاریسم دانشجو از جامعه می‌گردد توسط نفوذ دیسکورس چریک‌گرائی مدرن، یکی از آسیب‌هایی است که جنبش دانشجویی ایران را تهدید می‌کند.

۱۵ - فقر تئوریک که بستر ساز مبارزه کوتاه مدت و آنارشیستی و وابستگی تشکیلاتی به جریان‌های سیاسی بیرون جنبش دانشجویی می‌گردد یکی دیگر از آسیب‌هایی است که جنبش دانشجویی ایران را تهدید می‌کند.

۱۶ - ایجاد خندق‌های فرهنگی و سیاسی بین جنبش دموکراتیک دانشجویی ایران با جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ و جنبش دموکراتیک زنان ایران و جنبش دموکراتیک معلمان و دانش آموزان و کارمندان ایران و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر ایران از ترفندهای خطرناکی است که رژیم مطلقه فقهاتی در ظل فضای پلیسی و سرنیزه‌انی جهت به انزوا کشاندن جنبش دموکراتیک دانشجویی اعمال می‌کند.

۱۷ - تاریخ‌گریزی و تکیه بر حال و عدم اطلاع و جمع بندی نسبت به گذشته هفتاد ساله جنبش دانشجویی ایران و تاریخ سی ساله گذشته